

الانبر

ده افغانان کابل

سردیر

سید محمد قاسم

همه امورات بحرریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات

وارده مختار است

در هر هفته یکبار نشر میشود

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود

درین جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

الانبر

از ابناء وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جریده برایش فرستاده میشود

تیمار یک شماره یک عباسی

قیمت سالیانه از وزراء و اعیان دولت بقدر معارف دوستی شان

برای مکاتب و کتب خانهای ملی و معارفین و وقایع نگاران (فخری) رایگان

از عموم خریداران در داخله

(۱۲) رویه کالی در خارجه

بیم بوند انگلیسی با اصول پوست

از طلاب و معصنین نصف قیمت

ششماه

داخله خارجه

(۸) رویه (۷) شلنگ

تاریخ شمسی ۱۹ جوزا ۱۳۰۲ - مطابق ۲۳ نوال ۱۳۴۱ قمری - تاریخ انگریزی ۹ جون ۱۹۲۳ عیسوی

فهرست مقالات

(۱) عید سعید فطر (۲) تبریک عید (۳) مکتوب

حوادث داخله

(۴) راجع به تأسیس دستگاه های تلیفون در مزارات (۵) معارف دوستی (۶) نظامنامه

(۷) منع بازار دوزی (۸) جاب متخصصین از المان

حوادث خارجه

(۹) نزاع هندو مسلمان در هندوستان (۱۰) پروگرام دولت ایران (۱۱) مجلس لوزان

(۱۲) خلیفه مخلوع عثمانی ایتالیا می رود (۱۳) قتل نماینده روسی (۱۴) در اطراف شناختن روسیه ساتوی

(۱۵) استعفای رئیس الوزرای انگلستان و رئیس الوزرای فرانسه با کابینه اش (۱۶) اهمیت علم

(۱۷) خانه بنی سوادی (۱۸) قسمت علمی (۱۹) ناول (۲۰) اعلان تصاویر ۴ قطعه

(شرایط درج کردن اعلامیه)

از اهالی داخله و خارجه سوداگرانی که مال تجارتمندی و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در (امان افغان) اعلان

و انتشار کردن میخواهند و یادیکر هر رقم اعلان و اشتهار یک باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود :

اعلامیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود بر هر سطر ۱ یک رویه کالی (که معادل یک فرانک است)

و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی نیم رویه کالی اجرت گرفته میشود اعلامیکه در صفحه

آخری درج شود از یک بار تا پنج بار فی سطر یک قران یعنی نیم رویه کالی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند

فی سطر سه شاهی یعنی ربع رویه اجرت گرفته میشود . طول سطر یک سطر اخبارها (۳ - پنج - ۴ - سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خود را میبادا تا یک سال نشر کردن خواهد و وجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در صفحه

آخری پشتی بر سر سطر سوار (سدس رویه) اجرت گرفته میشود . از اعلانات معارفی نصف اجرت گرفته میشود

سید سعید فطر

سید سعید فطر

امسال بواسطه تراکم ابرهای بهاری که اطراف افق و فضا را تیره ساخته بود غرّه ماه رمضان وشوال دیده نشده مگر کدام از ماه شعبان ورمضان سی روز گرفته شد . و این حساب اول رمضان روز چهارشنبه (۲۸) حمل واول شوال که روز عید فطر باشد روز جمعه (۲۸) نور بود . بموجب اعلان رسمی ذیل که از حضور شاهانه بروز (۲۲) نور اشاعه شده بود :

روشن و مبرهن است که هر يك از ایام تعطیل مسلمانان يكروز بسیار مقدس و متبرک و برای استدعای غفران و انجام مقاصد از بارگاه احدیت از طرف شارع شریعت معین گردیده پس سائر عباد و مؤمنین را باید که نزول این اوقات سعید را وسیله عروج معارج اخروی و ارتقا بحدارج آمال مشروعه دنیوی خود ها دانسته در تصادف همچو ایام به کمال خشوع و خضوع استدعای مقاصد و استغفار جرائم خود را نیاز داشته در استرضای خالق علام به طاعت و عبادت بکوشند .

در این سال فرخنده مال غالباً سید سعید فطر روز جمعه تصادف خواهد نمود . گویا اوقات سعادت آیات جمعه و عید يكروز می آید و باید در همین روز نماز عید و صلوات جمعه را بجماعت ادا نمایند شاه ایام در این عید سعید فطر تکلیف دریتی رسمی و ملاقات رسمی را که تدبیر عید ها معمول بود و ارباب رتب و مناصب و ماورین دولت به لباسهای رسمی در مسجد عید گاه مشرف و از آنجا به ادا نماز اسلام خانه می آمدند و برداشته نامه افراد ملت نجیب به نما عید و نماز جمعه رسیده بتوانند .

برای ادای نماز عید هر کدام به لباسهای تیره رسمی خود با کمال نظافت و نظیر و بدنهای پاکیزه و با در جامع عید گاه حاضر شوند این خادم شرع مبین نیز به لباس معمولی خود به عید گاه حاضر شده با اتفاق برادران دینی خود نماز عید را میگذاریم . بعد از ادای صلوات عید با همه رعایا و افراد ملت شهرتیم که به مسجد حضور داشته باشند اساناً مراسم تبریک عید سعید را بجا آورده هر کدام بخانه و جای و ملاقات عزیزان و احباب خود مراجعت می کنیم . و نماز جمعه را هر کس در مساجد جامع آنروز خود ادا کنند نامزد نماز بوقت و محل آن بدرستی بدون تکلیف بجا آورده شود :

امسال بروز عید فطر از نشانیات مادی و رسمیات عادی که سال های دیگر دیده های ظاهری را جلب و جذب می نمود نبود سائر مردم از رعایا و نظامی و اعیان و ارکان در کمال راحت و بی تکلفی با لباسهای ساده طبیعی دست و دست حاضر مسجد شده جای می گرفتند . از ساعت هفت الی ساعت (۱۰) مردم می آمدند از ساعت (۱۰) ده دقیقه مانده بود اعلیحضرت غازی بیک لباس ساده وطنی هنر شریف آوردند .

به ساعت (۱۰) عموم به نماز قیام کردند . وظیفه امامت را شخص اعلیحضرت بذات مجمع البرکات خویش اجرا نمودند و برخوبی های مادی و معنوی این روز سعادت اندوز افزودند بعد از حتم نماز ذات شاهانه بالای منبر سنگ مرمر که در رواق بیرونی مسجد است ، برآمده پس از قرائت تکبیر و حمد و ثنا و درود و آیت حضرت خاتم انبیا ، فوائد روز را در منتهای سلاست و فصاحت (بالکنه مزاج مبارک بواسطه ریش قدری غلیظ بود) بصدا بسیار بلند که محوم حاضرین می شنیدند بیان فرمودند . حاصلش آن که روزه گرفتن اگر چه بر مسلمانان امر است از جانب خداوند تبارک و تعالی و ظاهراً امر او را بجا می آید اما در حقیقت روزه و سائر اوامر الهی دارای بسی فوائد مادی و روحانی است که آن همه تکیه بخود مان میگردند و اگر اوامر الهیه را بجا نیاریم قدر ذره نقص و ضرر به کبریا می آید و نمیرسد -

همین روزه اولاً برای صحت جسمانی ما خیلی مفید و نافع است چرا که از خوراکیهای متوالی بسیار ریزی بازده ملاحظه بعض مواد مضره در معده جمع شده و اسباب تولید اسهال متنوعه میگردند و روزه این قسم مواد مضره را بخلیل و دفع میکنند . ثانیاً روزه قوه شهوانیه را از درجه افراط و تفریط که کوشی انداخته مطیع عقل و اراده می سازد ، و این وسیله برای انسان قوه (عاقلیت نفسیه) حاصل می شود .

ثالثاً بواسطه روزه انسان ۱۷ یا ۱۸ ساعت گرسنه می خورد کرده اگر وقتی گرسنگی روز اضطراراً گرسنه کی برای او پیش آید و طعام میسر نشود می تواند که بشمول تحمل کند ، رابعاً انسان ناگزیر باید که گرسنه کی را حس نکند و احوال گرسنگان را و تکلیفی که به آنان در حال عدم اقتدار میرسد درک و تقدیر بکنند و بدین صورت رفته رفته حس شفقت را از خود معدوم می سازد ولی بواسطه روزه اغنیاء متمولین ملت از دل گرسنه گان و ناتوانان آمده با آنها معاشرت و مساعدت می نمایند و وظیفه انسانیت و نوع خواهی را که فریضه ذمه ایشان است بجا می آرند .

اقطار عالم و مظفریت اسلام و مفلوکیست و شمنان اسلام به کلمات مهیج رفت آور از صمیم قلب ختم نمودند و در آخر به ملت و تبعه افغانستان و طلب توفیق خدمت دین و ملت برای خود دعاهای غلصانه کردند و چند بار فرمودند که حیات من فدای اسلام و ملت عزیزم باد .

بعد از آن ، اساناً به سائر حاضرین عید سعید را تبریک گفتند و ما (ع . ج) سفیر دولت علیه ترکیه معاظه و مضافه نمودند و از مسجد تشریف بردند . و به آرشان عموم متفرق شده رفتند .

رایعاً روزه در اقتصاد معیشت مان قائده بزرگی میرساند چرا که هر قدر انسان کوشش کند باز هم آن مقدار طعامی که در غیر این ماه شریف می خورد در رمضان آقدر خورده نمیتواند پس لا اقل ده یا زده روزه اخراجات مسلمین در يك سال بواسطه روزه رمضان از مصارف مقرونه تهیه کرده يك ساله پس انداز میشود که همین پس انداز یازده روزه يك شهر را که حاجت افتد يك ماهه خوراکی يك شهر دیگر را در ایام قحط و غلا جواب داده میتواند .

الحاصل فوائد و منافع دینی و دنیوی رمضان را همه چه دلائل واضحه معقوله بیان و اثبات نموده خطبه دوم را به دعای دولت علیه ترکیه و ایران و بخارا و خیوه و مسلمانان هند و سائر مسلمانان



طلبة مکتب شرافت خان آباد و محصلین فرغانه که جهت اخذ تعلیم نظامی آمده اند و در مکتب مذکور تحصیل می کنند و بروز امتحان شان این عکس بعیت ع ج س ا وزیر صاحب حریره گرفته شده است

(تبریک عید)

امان افغان این عید سعید فطر را به سلامتی وجود سعید اعلیحضرت غازی (امیر امان الله) خان به سائر مشرقین و ابنا و وطن و عموم مسلمانان عالم تبریک میگوید

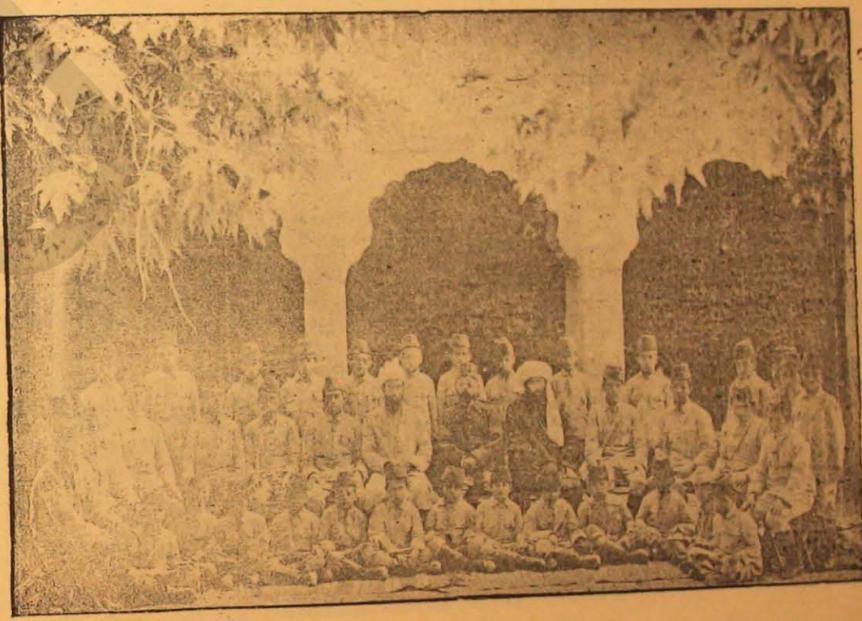


از لندن از طرف وزیر مختار دولت علیه افغانستان هم سلاطین محترم مدیر جریده امان افغان ! ما ارتو بخوریم و نواز هم بخوریم

تا امروز که دیدم شما وظیفه رهائی ملت را زیر قوانین همین دولت محبوب خود بر رتبه های دیگر ترجیح داده اید

در باب امان افغان که زاده طبع عاجزانه ام است و برایشان بودم
 یکشاعر زاده طبع خود یعنی شعر را چه قدر دوست دارد يك
 رسام لوحه و تابلو و ی خود را که آئینه افکار و احساساتش
 است چه اندازه قدر میکنند ، من امان افغان را همانقدر دوستدارم
 عزت میکنم ، زیاده تر از يك شعر ، يك تابلو چرا که اینجا
 دخل کلی در مسائل مهمه مقدمات دین ، وطن و ملت دارد
 و بیشتر از ه نقاست ، به و جدیت و مناسبت روحان دارد .
 من از مسافه هفت هزار میل وطن را دیده و این اول
 بار شرف این وصال خیالی ، را حاصل میدام ،
 مژگان هم آوردم و رفتم بخیرش
 برهیز تا ماشا بجه نیرك شكتم

احوال داخلی وطن مثل احوال تمام اسلام روبه بهبود
 است ، ببینید که امروز مناسبترین انتخاب وطن ما بر سر کار
 جریده نویسی مقررند ، و اگر يك ملت لیبرال و صحیح صاحبان
 افکار باند را به مقام جریده نویسی که راه نمای دولت و ملت
 است بیدار میکنند ، دلیل است که او پیش میرود شما امان افغان را
 صلاح الدین سلجوقی (انفق اسلام را) رفیق دیرینه مکتب ما
 محمد بشیرخان (اصلاح) را اداره میکنید نه تنها شماها به افکار
 عالی خود ، رهتانی خواهید کرد بلکه انتخاب شما با طبقه
 منور آقدر بسته است که آنها قداماً و فکر آ شما را مساعدت
 خواهند کرد .



متعلمین و معلمین مکتب فصاحت و قع اندراب

وضع معقول از شما اولیای امور دولت را بچیز
 به سنجیدن معاملات و نکتة شناسی شما همسایگان ما را از
 اراده حقیقه ملت نخواست (بشتون) مطلع خواهد کرد
 تحسین شما کسی را بر کار بکه قابل تحسین باشد ، نفرین نان
 بر کسی یا کاری که قابل نفرین باشد خواهد بود ، شما اندازه این
 تحسین و نفرین را هم خواهید دانست و لهذا هر چیز بجای خود
 خواهد بود ، و جوانان وطن و صنف های تعلیم پذیر را غلط
 نخواهند رفت ، و خط حرکت خود را کم نخواهند کرد .
 ما امید داریم که بعد از این جراید ما در نظر خویش و بیگانه
 قدری پیدا خواهد کرد ، و تاریخ ادبیات و سیاسیات از بهلولی
 و ترقی جرائد ، هم نام نامی معنی ملت غیور و فداکار افغان

(امیر امان الله خان) غازی را بآب زر خواهد نوشت ، نام
 رهبران « ابتدائی » این کتله جسم را که بلبونها ملیون در دل
 آسیا آبادند نیز بجای مناسب آن فراموش نخواهد نمود .
 من با همه بی مناسبتی و بی بضاعتی بازم بخندم امان افغان
 حاضرم و از دور سلام و کلامی خواهم فرستاد این اولین یاد آوری
 بود که تبریک ترقی جرائد می توانم شمرد ، بعدها اروپا
 بسیار چیز های قابل کفتن دارد که اگر فرصت مژگان ۳۳
 آوردن دیگر برای شکستن پرهیز ناکوار و جلائی وطن و
 دست داد عرض خواهم کرد .

(عبدالهادی)

تعمیرات و احداث

راجع به تاسیس دستگاه های تیلیفون در مهران
 جناب ادیب محترم !

ع . ج آقای شجاع الدوله خان وزیر رئیس هیئت تنظیمه
 مهران نظریه حسن درایت و کفایتی که دارند خدمات شایان تقدیر
 دران صفحات اجرا و ابراز نموده اند ، من جمله تاسیس دستگاه
 های تیلیفون در نقاط لازمه و دوائر مهمه است که حکومت را
 بآن احتیاج تمام بود و می باید مصارف ادوات و انشاء آن از
 طرف حکومت پرداخته میشد ولی مالقدر موصوف محض اینست که
 احتیاج پیشرفت کار را باین مؤسسه افه حس کرده ذاتاً
 وطن خواهان و علاقه مندان به ترقی وطن را از فوائد و ضرورت
 دستگاه های تیلیفون متذکر و به انظار جمع اعانه از کیسه های
 همت شان تشویق نموده است و از خبر های موقوفه استنباط
 کرده ام که بدو بکنفران مهران من تیلیفون را از خارجه
 دعوت نموده و بعض اشخاص را بر دست او مقرر داشته که
 فن مذکور را از وی یاد بگیرند . در نتیجه از مساعی حسنه شان
 انشاء و امتداد دستگاه ها وسیع های متعدد تیلیفون به دوائر
 حکومتی و بعض نقاط لازمه دیگر صورت گرفته است و يك حصه
 وطن از نیجه احتیاج و فقدان يك ضرورت طبیعی رهائی یافته است
 چون که این يك خدمت و همت عالی و شایان تحسین و مرور است
 رای استحضار خاطر آن وطنخواه بخیر این مکتوب مبادرت
 ورزیدم .

در خاتمه مزید امثال همه خدمتکاران صداقت کار وطن
 دوست دولتخواه را از حضرت احدیت خواستار بوده ضمناً
 جلب توجه آقایان محترم زمامداران معظم مان را به اینگونه
 اقدامات سعادت آیات بیشتر از این بیخوار هم و نیز از جناب
 شما امیدوارم که اگر مکتوبم را به يك گوشه اخبار خود
 درج نمایند خالی از فوائد عام المنفعه نخواهد بود .

غلام بهاؤالدین کاتب دوائر تحریرات وزارت داخله
 (تفصیلات زیاد راجع به مسئله فوق)
 (از جریده اتفاق اسلام)

ضرورت تیلیفون که بفرض تسهیلات مخابرات دواوردن
 و مخابرات کافه ناس است البته هر کس میداند این نعمت بزرگ
 مدیست که هر قوم و هر مملکت از آن بهره کلانی دارد استثنای مکرر و باقی
 نقاط ولایت محروسه مهران تا چندی قبل از این نعمت بزرگ محروم

مانده بود اینست جناب ع . ج ، وزیر صاحب رئیس هیئت
 تنظیمه ، از نقطه نظر همان خیالات و وطن رستانه ضرورت کشیدن
 تیلیفون را بدو لازم و متعتم شمرده من . (صاحب ادخان)
 عکاس باشی هیئت خود را که بکار تیلیفون مهارت سابقه دارد
 برای خریداری تیلیفون در بمبائی اهتمام و معزی الیه دو ماه
 قبل ازین بخریداری يك ماشین بزرگ (سوچ بود) با نیجه
 عدد دستگاه های سرمبزی و دیوارهای وسیع مسی خیلی اعلی
 و تمام لوازم معتابه از رقم اعلی قیمت (۲۵) هزار روپیه
 کابل موفقی شده بولایت همبزمای عودت نمود . چون قبل
 از آمدن موصوف پایه های تیلیفون و غیره لوازم آن از مقام
 محترم ریاست تنظیمه تهیه شده بود معجلاً کار مذکور بذریعه
 يك نفر کاربگیر هندی که از خود هند برای اجرای کار استخدام
 کرده شده تحت مراقبت خود (صاحب داد خان) جاری شده
 فعلاً در نقاط ذیل سیم تیلیفون کشیده شده و مخابرات به کمال
 سهولت جریان دارد .

- (۱) بخود پوست خانه که بحیثیت مرکز شناخته میشود
- (۲) دایرة ایالتی چهار باغ (۳) دایرة قوماندانی عسکری
- (۴) دایرة معارف (۵) دایرة مستوفی کوری (۶) دایرة
- کونوالی (۷) دایرة خارجه (۸) دایرة کرک (۹) دایرة
- عدلیه (۱۰) جهانونی رساله خارج شهر (۱۱) مدیریت مالیه
- (۱۲) سرحد کشک و جنبل دختران (۱۳) بکاروان سراهای
- تجارتی که بخارج بطور محصولی زده اند جای حاجی میرزا
- مختار خان جای سید کریم خان آقا جای عبدالحمید خان ناخر
- جای عبدالرحمن خان ناخر علاوه بران بجاهای سکونت بعضی
- کارداران جهت بعضی مخابرات ضروری هم رفته است ، جای غنچه
- مشرکونوالی ، جای مدیر کرک متعقبات انشاء الله تعالی بحکومتی
- های محالات هم سیم تیلیفون امتداد می یابد .

معارف دوستی

مفرزه کونوالی قندهار ابراز همت نموده خدمتگه للوطن
 نخواه يك ماه خود را بطور اعانه بخارج عسلین افغانی که
 اروپا رفته اند تقدیم نموده اند و بفرض قبولی آن هر بیضه زبان
 افغانی بوسیله ع . ج وزیر صاحب داخله بوزارت جلیله معارف
 فرستاده اند که بحضور همایون تقدیم نماید عریضه مذکور
 بتوسط وزارت معارف از حضور شاهانه گذارش و التماس شان
 شرف منظوری یافته و به يك فرمان شفقت بنیان که مظهر است
 رضامندی و خورسندی اعلیحضرت غازی را ، بمفرزه مذکور
 امتیاز یافته .

امان افغان محض خورسندی معارف دوستان و تقدیر معارف خواهی آن برادران خلاصه ترجمه مرصعشان را در ذیل می‌نکارد:

پادشاه معارف پرور خود را به مقاصد دینی و دنیوی کامیاب می‌خواهم . بعض برادران دینی و وطنی مان بنابر حسیات اسلامیت پرورانه و وطنخواهانه اولادهای خودهارا که بمنزله جگر گوشه های شان است بجهت تحصیل علوم و فنون به اروپا فرستاده اند و جدائی فرزندان عزیز را بر وصال آنان ترجیح داده اند باین امیدواری که اولاد های شان در اروپا تحصیلات عالی نموده در سایه علوم و فنون به دین و ملت خدمت کنند و وطن عزیز را از نعمات تحصیلات خویش برومند سازند

ما هم که برادران آنها و ابناهای این وطن عزیزیم می‌خواهم که ازین نعمت بی نصیب باشیم ، هر طور شود بایستی بیک نوع درین عمل خیر شرکت داشته باشیم بناءً علیه تصمیم گرفته ایم که یکماهه بخوان خود را بطور امانه به این محصلین که اروپا رفته اند تقدیم می‌نمایم و از حضور شاهانه التماس داریم که این عرض عاجزانه ما را مقرون به اجابت فرمایند .

زنده باد پادشاه معارف پرور افغان ، پاینده باد استقلال دولت علیه افغانستان امضا

محمد سرور تولی مشر - لعل محمد بلوک مشر - قلندر کاتب - عبد الحاقی کاتب - یار محمد سر کاتب - امیر محمد بلوک مشر - دین محمد بلوک مشر - عبدالرحمن تولی مشر - فقیر الله کاتب تولی - محمدخان کاتب تولی - اختر محمد کاتب تولی - رمضان علی خان تولی مشر - تسلیم خان بلوک مشر اسپور - عبدالرحیم غنده مشر و قو ماندان کوتوالی .

(امان افغان) ازین حسیات سعادت آیات برادران فوق خود و سایر افراد مفرزه مذکوره که در این امر خیر شرکت ورزیده اند اظهار تشکر نموده همت و محبت دینی و ملی شان را تقدیر و تحسین می‌نماید

نظامنامه ها

در این ایام نظامنامه تعمیرات لقان ، نظامنامه رخصتی ، نظامنامه تصفیه حسابات ماضیه سنه (۱۲۸۳) تا سنه (۱۲۹۸) و نظامنامه اساسی (قانون اساسی) ترتیب و از مجلس عالی و زرا گذشته در مطبع دائرة محرمات مجلس مذکور به طبع رسیده است .

منع پای زار دوزی

شندیدیم ، از مقام ولایت کابل حکم شده که بازار دوزها ازین بعد بازار به اصول قدیم که هیأت و اشکال مختلفه دارند ، ندوزند همه کی به یک هیچ و شکل سلیم و نیم بوه و بوت بدوزند .

جاب متخصصین از المان

عده از دا کتران فاضل برای اداره محبیه عمومی و بعض متخصصین علوم و فنون از تقسیم مالیات و مهندسی و غیره که در وزارتها و دیگر دوائر خدمت کنند از المان استخدام و جلب شده اند .

(استعفاى معلمین مصری)

سه نفر معلم مصری : زیدان افندی ، ابراهیم افندی ، حسین افندی که در مکتب معلم بودند اولین مشاخره زیادی طلب کرده و قبول نشد و دو نفر دیگر بعض عذرها پیش کرده استعفا دادند . وزارت معارف بانکه استعفاى شان برخلاف مقررات و قرار داد بود محض دلجوئی آنها قبول ، و به احترام تمام رخصت داده به سواری موتر اعزام شان نمود .

حوادث خارجیه

مواد پرو کرام کابینه جدید دولت ایران

و نظریات جریده ایران

(۱) حفظ مناسبات حسنه با دول متعابه و انجام قرارداد های تجاریتی و بستن و تلگرافی با دولت روسیه بطریقى که با مصالح مملکت توافق داشته باشد و عقد قرار داد بستن با دولت افغانستان .

(۲) تسریع در تهیه وسائل انتخابات دوره پنجم و مراقبت در محنت جریبان آن .

(۳) پیشنهاد لایحه قانونی در اصلاح ترتیب سر باز کبری و تهیه وسائل نظامی از قبیل اسلحه و آرموپلان و غیره .

(۴) سی در انجام اصلاحات لفظ و تدارک و وسایل استفاده ملت از مناسبات ثروت مملکت و اهتمام در امر تاسیس راه آهن و تکمیل طرق شوسه مملکت و دایر کردن وسایل نقلیه انوموبیلی در طرق و شوارع موجوده و سی در موازنه صادرات و واردات و استخدام متخصصین برای وزارت فواید عامه .

(۵) تقویت عملیات متخصصین مالیه در اجرای صرفه جوئیهای ممکن در مخارج دولت و تدارک بودجه و اصلاح ادارات مالیه و عمرکز جمع و خرج و سببه پرداخت حقوق پس افتاده مستخدمین و سایر حقوقی که بدهمه دولت است و تسویه و تنظیم امور بانک ایران .

(۶) توسعه و اشتر مسافرت و فرستادن شاگرد بخارج به برای تحصیل معلومات تالیف و فنی و تنظیم و تکمیل تعلیمات محسوسه و عالی مملکت و اهتمام در امر حفظ الحصه عمومی .

(۷) تکمیل قانون اصول محاکات حقوقی بر طبق تجارت حاصله و حوائج حالیه و مطالعه در امر محاکات جزائی و جدید در گذراندن قانون تجارت و محاکمه وزراء و وقت اسناد و هیئت منصفه از مجلس شورای ملی

با آنکه پرو کرام هیئت دولت مختصر میباشد ولی تا حدی جامع الاطراف و متضمن رؤس مسائل مهمه سیاسی و اقتصادی و اجنبای است مواد بهیچ الحصول و مشکل دران دیده نمیشود البته در نزد عقلا این رویه که دلیل صداقت و حقیقت کوشی است بهتر و پسندیده تر است .

درین پرو کرام بطوریکه در مقدمه آن تصریح شده حوائج فعلی مملکت را اصول ضروری و اقدامات لازمه که مملکت از نداشتن آنها در زحمت است منظور شده ، بنابر این بیشتر میتوان با انجام آنها امید وار بود .

از مطالعه آن معلوم میشود که نظر دولت حاضر بطرف دواصل مهم بیشتر است اول مسئله انتخابات آتی نماینده کان ملت و تشکیل مجلس شورای ملی است که پس از اصل حفظ روابط با دول متعابه آزا رسا بر اصول مقدم داشته و تسهیل و وسائل تسریع انتخاب را از اقدامات ضروری حوائج حتی مملکت شمرده اند . این نظریه بسیار صحیح و از هر جهت لایق تحسین و تقدیر است زیرا تجربیات گذشته ثابت آورده اند که ایران دیگر نمیتواند در دوره فقرت زندگی کند و از ادامه فقرت جز فقر و انحطاط و لانتکلیفی حاصل نمیشود . ایران و هر مملکتی محتاج بقانون و آزادی و مساوات و عدالت است و بدون وجود پارلمان هیچ یک از حوائج فوق بدست نیاید و از نقطه نظر سیاسی نیز مرکز نقل مملکت از بین رفته و حالت تشنج پیدا می کند که نتیجه جز ضرر و فساد ندارد . این ماده دلیل علاقه مندی کامل هیئت دولت حاضر بمشروطیت و پارلمان بوده و از حسن نیت آنها نسبت بحکومت شوروی حکایت می کند ، بملاوه یک ماده عملی و سهلی است که بانکه توجه انجام گرفته و خدمت بزرگی بملت و مملکت صورت میگیرد .

اصل دوم مسائل اقتصادی است که اکثریت مواد پرو کرام را تشکیل میدهد ، حسن روابط با همسایگان ، عقد معاهدات و قرار دادهای تجاریتی و بستن ، سی در انجام گذراندن امتیاز نفت شام ، تهیه مقدمات راه آهن ، کوشش در ایجاد لوازم اقتصادی ، استخدام متخصصین مالی ، مرتب کردن بانک ایران همه اینها راجع بعالم اقتصاد و برای گردش دادن چرخ خوابیده تجارت و معامله و تسهیل و تسهیل و نقل و نجات مملکت از این فقر مهلت و فلاکت خفه کننده است . حتی وضع بسیاری

از قوانین از قبیل قانون تجارت و ثبت اسناد و غیره از همین نظر است .

تنازع هندو و مسلمان در هندوستان

بعد از افسرده شدن شعله های جنگ عمومی يك جنبش ملی در اهالی هندوستان از هندو و مسلمان بروز نموده به توجه و مساعی طبقه منور الافکار طرفین يك اتحاد و اتفاق بین هندو و مسلمان صورت گرفت حینکه هندوها و مسلمانها به سوادید لیدر های شان به لاتماون و القای خطابه های مهیج و مقاطعه اموال خارجه اقدام نمودند از طرف حکومت هند شدت و کبر و گرفت عمومی حکم فرما شده همه لیدرها و رؤسای عده شان چه از هندو و چه از مسلمان مثل ستر (کاندھی) و مولوی محمد علی و شوکت علی و مولانا ابوالکلام و غیرهم حبس شدند در نتیجه در اواخر سال گذشته عیسوی که مصادف با اوائل برج جدی است قرار عادت مستمره جمع کافرانها و مجلسها و جمعیه های هند که عده آن مجلس قومی هند و مجلس خلافت و مجلس جمعیه العلماء است جلسه های سنوبه را برپا نمودند و بر پرو کرام مسای خود تجدید نظر کرده بعضی ترمیمات و زیادات از طرف رؤسای پیشنهاد شد در مجلسی اول که عده مجلس است و مرکب بود از اعضای سر بر آورده هندو و مسلمان اختلافات در بعض مسائل و مواد پرو کرام قدیم و اجتناب از شرکت به مجلس انتخابی و عدم اجتناب و امثال آن بروز نموده اعضا دو فرقه یاسه فرقه شدند و هر فرقه پرو کرامی ترتیب داده در تشکیل حزب مستقل و زیادت طرفداران بر آمدند بملاوه فرقه ها و مجلس جدید عرض وجود نمود در همین اثنا اغیار استفاده از فرصت کرده به انواع حیل يك فرقه بین عموم هندو و مسلمان تولید نمودند چنانچه فرقه آریه که یکی از فرق مشهوره هندو است جمعیه های تبلیغی تشکیل دادند که بعض مردم جاهل را که ذاتا مسلمان میباشند به آداب اسلامی چندان نمیدانند هندو کنند این اراده و تصمیم به اسم فتنه ارتداد شهرت گرفت و بین مسلمانها يك شورش و هیجان انداخت از طرف مسلمانها هم بالمقابل جمعیت های تبلیغی برای جلو گیری ازین فتنه تشکیل و به جمع آوری اجانه اقدام شد مسئله کسب شدت نمود مخصوصاً در ملتان و امرتسر حتی که در بعض نقاط به زد و خورد هم کشید و جراند طرفین در الزام یکدیگر و اشتداد و خامت مسئله مقاله های هیجان انگیز پدید آمدند حتی که درین سه ماه در جراند هندی غیر از همین وقایع ارتداد و (شدی) جز دیگر بنظر نمی آید در جراند هندوها دیده میشود که فلاحتها ، اشتداد و فلاحتها آینه رنسانمان داخل راددی شد و در جراند مسلمانان مشاهده میشود که فلاحت آریه

وفلان ماله وفلان هندوی نامدار و بهمان رئیس آریه مشرف به اسلام گشت .
از جمله اشخاص بزرگ هود که درین روزها مشرف باسلام گشته برادر صدر اعظم ریاست کشمیر است که شخص تعلیم یافته وارو پادیده است و از مدتی در تلاش دین حق بود و در این ایام صداقت دین اسلام برای او آشفت گشته به قبول و اذعان آن خود را از ورطه هلاک منوی نجات داده است .

مجلس لوزان

مفاوضات و مذاکرات در مجلس لوزان جاری است ، مسائل قابل غور و دقت بسیار ، امور اقتصادی است که نسبت به سایرین به فرانسه زیاده تکیه می کنند و فعلا مناسبات فرانسه و ترکیه خوب دیده نمیشود . چونکه مطالع سیاسی بهر ساعت تاریک و روشن میشود و نتیجه حدس نمیتوان زد مگر اینکه اگر فرانسه بدقت پیش بینی و دور اندیشی نکند حریف برطانیه بازه را خواهد برد و فرانسه از یک طرف تحت فشار خواهد آمد اگر چه در جرائد دیده میشود که ترکیه به سرحد شام عسکر جمع نموده و فرانسه هم با آن جهت سوق عسکر می نماید ولی این همه تهدیدات سیاسی است نه تصمیمات قطعی . از کوائف مجلس تا بشوقت چیزیکه معلوم شده همین است که لهجه ها و لحن های طرفین ملائمانه است .

مسئله موصل

جریده بیدار ایران تحت عنوان فوق می نویسد : مخبر نامیز از بغداد بجزیده مبروره می نویسد که محتمل است مجلس کبیر ملی باقوة قائمه موصل را تصرف کند ، زیرا که در موصل دارای نفوذ مهمی است و محتمل است از طرف شمال ضریبی مقابل رود دجله حمله کنند همچنان از ناحیه (راوندوز) از کوهسار سراریر و بطرف سلطانیه روانه شوند . اهالی موصل که قسمت عمده آنها بملت ترکی تکلم می کنند هم مستعد شورش میباشند و هیچ شکی نیست که اگر قبائل آن سرزمین بشورند ترکیه به تصرف موصل موفق خواهد شد بیدار : بلکه اغلب عشاثر عراق عرب هم شرکت کرده و ضد سیاست ضعیف کنی برطانیه قیام نمایند زیرا طمع خام انگلیس روز بروز انقلاب را نزدیک می کند .

تلیفات انگلیس

کار کنان انگلیس در تمام نقاط عراق عرب مشغول تلیفات ضد ترکیه شده و پیوسته از مامورین و رؤسای بلده تیلکراف شفر آبرز مصنوع گرفته و به سکر عبا ره می کنند .

تصریح بالشویک

انقره - رفیق (را کوفسکی) به عنبردیلی نیوز تصریح کرده : فضای سیاست کنونی بسیار تیره است و باوجود این من گمان نمیکنم که جنکی واقع بشود و اگر ترکیه داخل جنگ نازه بشود ساریت روسیه تا آزر بر کمال مساعدت و همراهی را نسبت به او اعمال خواهد کرد و شاید داخل جنگ هم بشود .

خلیفه مخلوع عثمانی ایطالیا می رود

جندی بیشتر ، افواه بود که وحیدالدین خلیفه مخلوع از حجاز سفر بیثباتی را تصمیم گرفته در این روزها معلوم شد که فسخ منوبت نموده از حجاز وارد اسکندریه گشته و نظام محنت او برهم خورده اکثریه حالت غشی بر او طاری میشود و اراده دارد که بعد قدری افاقه به ایطالیه می رود و آخرین ایام حیات خود را آنجا بسر میکنند .

قتل نماینده روسی

در سوئتر رلیند ، ایم و روز سکی حشیکه در یکی از هونتلها مشغول طعام خوردن بوده از طرف یک نفر آدم بقتل رسیده و نیز دو نفر روسی دیگر که در محبت او بودند مجروح شده اند . قاتل خود را تسلیم پولیس نموده است .

در اطراف شناختن روسیه نساوتی

(کورنو) وکیل مجلس انگلستان که اخیرا وارد ماسکوشده در مصاحبه با نماینده اژانس تیلکراف روسی اظهار داشت که اکثریت حزب کارگر و قسمت مهم لیبرالها وعده زیادی از محافظه کاران طرفدار شناختن کامل دولت ساوتی می باشند . صاحبان املاک و اشراف که در کابینه مهال نفوذ می کنند مخالف این مسئله هستند ، لاکن از قرار اظهارات نمایند فوق الذکر خود (بوزلا) نظر بشواهد محلی فکر مساعدت متماایل به شناختن روسیه دارد .

استعفای بوزلا

درین اواخر ستر بوزلا رئیس الوزرای برطانیه مرصض بود دا کترهای تصویب نموده اند که باید مدتی مشغول فکر و عمل نباشد . بناه علیه ازوزارت ریاست استعفا کرد رئیس الوزرای نازه معلوم نشده گمان می رود که یکی ازین اشخاص ستر بالدون ، لارده کرزن اول بالفور ، اوله داربی دیوک آف دیون شاتربجای او مقرر خواهد شد .

جنگ بین مللی از دست رفته پس بدهند یعنی قیمت این کشفیات و بهای آموختن فقط عودت مستعمرات است و اگر متفقین قبول نکنند محال است المان این اکتشاف را با آنها بیاورد . مرض خواب از امراض سخت و کشنده با سرعت سرایت و ظالماً در افریقای وسطی بروز میکند . و تقریباً (۲۲) سال قبل ازین این مرض مدعش در افریقا ظهور نموده انسان محنت رفق و دلشسته و استاده میباشد وی میرد .

(خانه بی سوادی)

باد کوبه - خانه بی سوادی در قشون سرخ و عشاثر بالشویک در شرف انجم و در بحره خزر یک نفر بی سوادی هم نموده است
الفلاح : جمله ایست اسلامی بزبان اردو مایه دو باز معدری جناب غازی رحمت الله و سرپرستی انجمن اشاعت اسلام جالندهر نشر میشود . موضوعش دعوت و تبلیغ اسلام . استقاد مذاهب تصحیح عقاید تهذیب اخلاق ، و اصلاح اعمال و خیر های علمی است . برای کسانی که اردو میداند و باین گونه مطالب علاقه و میل دارد مطالعه اش مفید است .

قسمت عالمی

فضیلت و ضرورت علم
از کتاب رهبر نجات

ذاتاً دین مبین اسلام که همگنا مجبور به فرمان برداری آن هستیم . تحصیل علم را عالمی نماید (هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون - فاطر) جاهلارا ما علمان برابری ممکن نیست (انما یحشی الله من عباده العلماء) قاضی بیضادی این آیت کریمه را به دورنگ تفسیر می نماید : اولاً کلمه جلینه (الله) را منصوب (به زبر) میخواند ، در اینصورت معنی آیت این است : البته از خدا کسانی میترسند که عالم باشند (زیرا ترسیدن فرع دانستن است) ثانیاً کلمه (الله) را مرفوع (به پیش) میخواند ، در اینصورت معنی آیت همین است : که البته خدا عالمان را تعظیم می کند شما هر کدام از همین دو تفسیر را که اختیار کنید عزت و شرف علم و مرتبه بلند (علمای حقیقی) در نظر آن ظاهر خواهد شد و نیز خداوند کریم می فرماید (و قل رب زدنی علما) ای محمد بگو که یارب علم مرا زیاده گردان دقت کنی حضرت خداوندی حییب خود را به طلب زیادت علم امر می نماید ، اگر ترفی بالار ازین هست بگوئید که چیست ؟

ستر بالدون رئیس الوزرای انگلیس شد
ایضاً - بنابر اطلاع ریوتر از ناخ [۲] حوزا معلوم شد که ستر بالدون به رئیس الوزرای کابینه برطیه مقرر گردید و یوانکاره تهذیب نامه باو فرستاده و عموم اهالی انگلستان و جرائد آن به تقرر او اظهار خورسندی و رضایت میکنند . وزیرای مشهوریکه در کابینه سابق بودند درین کابینه هم همای میباشند .

(استعفای یوانکاره و کابینه اش)

تیلکراف کابل : مختصر چنین خبر رسیده که (مارسل کاجین) نام بالشویک مشهور ناحیه (رور) که بر خلاف حکومت فرانسه اشاعه و پرو باغسد میکرد از طرف حکومت فرانسه دستگیر و محکوم و به محاکمه مجازات شده لاکن مجلس (سنا) به مخالفت برآمده و اکثریت تشکیل داده در نتیجه یوانکاره و کابینه اش اظهار داشته اند که ازین مخالفت و تشکیل اکثریت معلوم شد که برقول کابینه اعبادی نیست بناه علیه از شغل خودها استعفا داده اند ، ولی استعفای شان تا این وقت قبول نشده -



آقای فیض الله خان خوجه رئیس جمهوریه بخارا

اهمیت علم

اطباء المان در جمع طبی که در هابورک تشکیل شده جلسه منعقد و در موضوع علاج مرض خواب معروف به (پاره ۲۰) بحث نموده و مقرر کرده اند که این علاج را از متفقین (انگلیسی و رفقایش) پوشیده دارند مگر اینکه مستعمرات المان را که بسبب

برای ما نافع هم نیست ، لکن وقتیکه دانستیم مقصود ما از تحصیل علم دانستن طریق سعادت دارین است ، پس کار برای ما آسان است هر علمی را که در دنیا و آخرت برای ما فائده میرساند آن را طلب می کنیم و آن علمیکه نه در دنیا و نه در عقبای برای ما فائده ندارد ، آرا ترک می نمائیم ، زیرا :

عن جابر رضی الله عنه قال انبی علیه السلام - لم والله علماً نافعاً و تمودوا من علم لا ینفع (الجامع الصغیر) یعنی از خداوند علم نافع نخواهید و از علم بی فایده بپرهیزید

اکنون ما هم چندی از علوم نافع را که مردم ما از آنها مالوف اند بر حسب ترتیب و تقسیم مروج علمای وطن مع اسباب لزومش ذکر می کنیم :

هیئت عمومی علوم دو قسم است : علوم نقلیه و علوم عقلیه . علوم نقلیه هم دو قسم است علوم دینی و علوم دنیوی . اینک اولاً علوم دینی را که قسم اول علوم نقلیه است ذکر می نمائیم (باقی دارد)



میرزا کوچک خان کیلانی که از وطنخواهان مشهور ایران بود

ناول مان لسک

(۲)

روزی دختر من از من خواست و من آن فرد که در خصوص میراث چند قطعه اراضی که دعای آرا از طرف جد مادری خود بدو انتقال کرده بودم به روغن رفته از مجلس دار شورای

(زمانی درخواست مسئله تمام در مراجعیت از (روشن از راه) اور) آمده شب اول را در آن منزل ختم و صبح دیگر روی برای نهادم که شب دیگر خواب را در (پایی) که پنج یا شش فرسنگ دور از منزل اول بود بشایم چون داخل این قصبه شدم باکال حیرت خلق را در دهشت و اضطراب یافتم که از منازل و خانه های خود بیرون ناخفته فوج فوج و دسته دسته بدر مهمانخانه ایست معمری میزدند و در جلوان مهمانخانه دو کالسکه جایزی سر پوشیده ایستاده بود اسپه های کالسکه که هنوز در زیر براق از فرط خستگی و سرما پژمرده بنظر می آمدند چنین اشتیاق می شد که این دو کالسکه ناز را از راه رسیده اند لحظه ایستادم که بنشاه و بداد این هنگامه و آشوب را تحقیق نموده از مطالب استحضاری حاصل نمایم ، ولی از این عوام الناس پزوهنده که بسوالات من به هیچ وجه اعتنا نمی نمودند و یا کمال بی نظمی میکردند زده بطرف آن مهمان خانه محقر می تاخندند خبر مختصر اطلاعاتی بدست نیآوردم ، تا بالاخره شخص نظامی که بپند تفکی حمال کرده و تفنگ قتیله بدر دوش گرفته بود در پ هتل (مهمان خانه) مشاهده شده با دست به طرف وی اشاره کرده سوی خویشش خواندم ، پیش آمد از وی خواست کرده از سبب این آشوب و ازدحام مطالم ساژد ، گفت آقا مسئله مهمی نیست جز آن که دوازده دخترهای فاضله را من و چند نفر از رفقای من بر حسب حکم دیوان اعلی تحت الحفظ به (هاورد و کراس) ببریم که در آنجا به نشی نشاند به امریکا فرستیم ، چند نفر ازین فواحش خوش خط و خال و صاحب جوانی ظاهراً حسن آنها این دهافین ساده لوح را بر یکپخته که به تماشای آنها آیند ، از بدالی که این شخص نمود مسئله را معتنا نشمرده ، میخواستم بگذارم و بگذارم که فوراً فریاد پر زنی بایم را بر زمین دوخت که دستها را بر روی هم نهاده از در مهمانخانه بیرون آمده فریاد بر آورده که آه چه مسئله عظمی است که بدن را مضطرب می سازد رجان را میبکاهد و در آن خون و از دیده بیرون می کند ، از او پرسیدم مسئله از چه قرار است ، در جواب آهی کشیده گفت آقا داخل شوید و در نگرید که آیا این تماشای شایسته آیت است که قلب را بکندازد پژوهش و کنجکاری مهربان داشت که از آسیب خود زیر آدمم و او را بجلو دار خود سپرده باکال زحمت مردم را بکنار کرده داخل شدم ، یکباره چیزی بنظر آمد که فی الحقیقت غم افزا و جانگزا بود ، در میان این دوازده دختر که از کمر بیکدیگر بسته شده بودند ، دختری دیدم که حالت و رنگ رخساره اش بالشفل و عمل قبیحی که بدو انتب میدادند بعدی نامناسب بود

که اگر غریزین شکل او را میدیدم از دختران نجیب درجه اولش میخواندم تا آن خواطر و چرکی و کثافت لباس از خوشگلش بکلی نکاسته و کتفید کاش ساخته بود ، از نظاره بدو قلب خود را ملو از احقرام او دیدم و بولش رقت آوردم ، سعی و اهتمام داشت که صورت خود را از تماشای جیان بیوشد ، و این سعی و اهتمام بجهت پوشانیدن چهره خود بعدی طبعی بود که حالت هج و حیای او را محقق می ساخت ، چون شش نفر مستحظنی که باین دسته بدبخت همراه کرده بودند در اطاق حاضر بودند ، رئیس آنها را بکوشه رده از خواست نمودم که از سر گذشت و قضیه آن دختر بیچاره مرا آگاه سازد اما رئیس مستحظنین غیر از حکم کالی که باور شده بود چیزی نتوانست بمن بفرماید ، همینقدر در جواب من گفت بر حسب حکم رئیس کل پلیس او را از (هیتان) در انجا یعنی بندی خانه است که بیرون آورده بدین سوی حرکت داده ایم و ظاهراً کان نمیتوان برد که بی تقصیر و برای امر عملی بجهت و پسندیده وی را در آنجا محبوس داشته باشند ، نیز رئیس مستحظنین گفت چندین مرتبه در ضمن راه از در استنطاق در آمده شرح حال او را از خودش استفسار نمودم ، زبان در کام کشیده جوابم را بیچ نکفت ، ولی با وجود آنکه مامور برین نبودم که او را به رفقای دیگرش فرقی گذاشته ، و به طریق دیگر سلوک کنم همیشه وی را بچشم دیگری مشاهده کرده ، و با او با یکدرجه خوش سلوک میکردم چه در وی قدر و منزلتی میدیدم که در رفقای او دیده نمیشد ، یعنی قدر محترم تر بنظر آمد ، لیکن آن جوان که بکوشه سر بجهت تفکر فرو برده میشکری ، میتواند از سبب گرفتاری و تقصیر وی شمارا بهتر مستحضر نماید ، زیرا از زبان عنایت از پاریس بهمراهی آن دختر حرکت نموده ، و لحظه از کر بستن آرام نگرفته ، باید برادرش و باطالب و هرا خواست باشد پس بر کشته بطرف کوشه اطاق که آن جوان نشسته بود آمدم بنظر من چنین آمد که غره بحر تحیر و تفکر است مرکز صورتی بدین شدت غمگن و افسرده ندیده بودم ، وضع ظام و طرز لباسش خیلی ساده بود ولی در نظر اول رنگ رخساره اش خبر میداد که جوانی از خانواده نجیب و دارای فضل و دانش است ، جلواو رفتم چون سما دید از جای برخاست از چشمها و صورت و حرکات احوال هوشمندانه نجیبانه استنباط کردم که حقیقتاً کان کردم بجهت ادراک که فیض نظمی بخشورش مشرف شده ام .

پس در نزد اولیای کرامت اگر اسباب تصدیق خاطر شما شده باشم عفو فرمائید آیا ممکن است مرحمت فرموده از قضیه و سرگذشت این خانم رعنا زبیا مستحضرم داربد چه این حالت حالیه و گرفتاری و برا ظاهراً مناسب و شایسته اونمی بینم و او را در خور چنین بلیه کان نمیرم ، در جواب با کمال ادب گفتم افسوس میخورم که نمیتوانم شما را از شرح حال او مستحضر دارم مگر آنکه اول خود را بشناسم بشناسم و فی الحقیقت حق داشت که نمیخواست کسی او را بشناسد ، ولی همینقدر میتوانم شما بگویم پس اشاره بسوی مستحفظین محبوسین نموده گفتم این مردمان پست فرمایید نیز میدانشد که من این دختر را بشدنی طالب و خواهانم که مرا بد بخت ترین و بیچاره ترین خلق عالم ساخته ، آنچه لارمه سی و اهانام بود در پاریس بجهت اخلاص و آزادی رو نمودم مستدعیات و زبری وجد و جهد و کوشش و کوشش من بی فایده شد ، پس غمناک خود را جزم نمودم که نامنهای کره ارض بدیال اوروم باوی یکشتی خواهم نشست ، با آمریکا خواهم رفت الیکاه روی بسوی مستحفظین نموده آخرین ظلم و عدم السابقی که بمن شده این است که این بد نشان نابکار اجازه نمیدهند و مرخص نمیسازند که قدمی پیش گذاشته باین دختر که دلم دردم اوست نزدیک جویم و با او سخن گویم اول قصد و خیال این بود که چون چند فرسنگ از پاریس دور شوند اشکارا بدانها حمله برده محبوبه خود را از چنگ ایشان بدر آورده نجات بخشم و چهار نفر را مثلنی عظیم داده با خود یار و همدست کردم آن خائنین مراد رجیک مستحفظین گذاشته و جیبی که از من گرفته بودند برداشته اند کردند چون زور بازو ممکن نبود مقصود خود نائل شوم لابد زبان در کام کشیده و تیغ در نیام کردم و اسلحه و زمین افکندم پس به مستحفظین عرض و درخواست نمودم که اجازه ام دهند در خدمت آنها عینیت نموده حرکت کنم و در عرض مبنای باسم آمارف بانها قدیم نمایم نظر بدخل و فایده خود نمایم را قبول کرده بدین امر راضی شدند ، هر دفعه که مرخص می نمودند با محبوبه خود سخن گویم میباشن این بود که مبنای بانها تسلیم نمایم در قلیل زمانی کیسه ام خالی شد و اکنون که دیگر دیناری برای من باقی نمانده هر وقت میخرام قدمی بسوی مشوقه خود بردارم از فرط وحشت با کمال بی الصافی دست رد بسینه ام نهاده دورم میکنند يك لحظه پیش نیست که با وجود تهدیدات آنها جرات و جسارت نموده بطرف مشوقه خود قدمی پیش نهادم بی رجانه سر نیزه بسوی من حوالت نموده بجهت برام رد کردند محض ترخیه خاطر ایامه آنها مجبورم است مغالوتی را که تا حال مرا کس سواری من بود در اینجا هر شوم و نامرحد بیاده حرکت کنم .

با وجود آنکه با کمال آهستگی و آرامی شرح حال خویش را تقریر می نمود در ختم کلام قطرات اشک از چشمش فروریخت این سرگذشت بنظر من خارق العاده ترین و جان کزوا ترین حکایات آمد با کمال توقیر بدو گفتم امر را و ابرام ندارم که از سر وقایع و سرگذشته خود مطلع سازید ، ولی اگر قابل انجام خدمتی باشم رجوع فرمائید تا با کمال میل در مقام انجام آن برآیم ، در جواب گفتم افسوس که راه امیدی در کار خود نمی بینم باید بسختی و بدبختی خودن در دهم با آمریکا خواهم رفت (شمع مری را بهل افروخته) (که بخارا می رود این سوخته) اقلان در آن خاک بانکه از صمیم قلبش دوست دارم به آزاده کی زنده کی خواهم کرد . بیکی از دوستان خود نوشته ام که از من دستگیری و اطاعتی نموده مبنای بجهت من اسال دارد که در (هاور دو کراس) بمن رسد . حال هیچ گرفتاری ندارم جز اینکه خود را باین نقطه سر حدیه رسانم و برای تسلی خاطر محبوبه خود چیزی در این راه تهیه نمایم (در زمانیکه این سخن را تقریر میکرد با کمال تامل دیده بسوی دلدار خود دوخته بود) گفتم بسیار خوب این تامل و گرفتاری خاطر شمارا ممکن است چاره نمایم ، این قلیل و جیبی است که قبول آنرا از شماستند و نمایم کم بی اندازه متلم که خدمت دیگری از دستم بر نمی آید بشما نمایم . آنکه چهار لولی طلا (که هر کدام پست فرانک است) بطوریکه مستحفظین ندیدند بدو دادم ، زیرا بقین داشتم که اگر ملتفت این مبلغ میشدند توجه و همراهی آنها با آن جوان برای وی کران تر عام میشد . آنکه بخایم گذشت که با مستحفظین گفتگو نموده قرار می دهم که آن جوان را آزاد دارند که تا (هاور) دائماً با مشوق خود ملاقات و صحبت نماید . رئیس مستحفظین را پدس خود خواسته مطالب را با او اظهار داشتم با وجود بی حیائی که جیبی ذات او بوده از تقریر من خجل شد باحالی متزلزلانه در جواب منی گفت آقا نه این است که ما او را از ملاقات و سخن گفتن با این دختر ممنوع داشته ایم بلکه خواهش می این است که دائمی نزد او باشد و این مسئله مخالف میل و تکلیف ماست ، اگر چه راست است که محض رضیه خاطر من و سایرین مبنای نماینداز میکنند .

(اعلان از طرف یاور حضور اعلی حضرت)

چون املاک (بودیا فروشی) که متصل شفاخانه امامیه واقع عین المال است فروخته می شود و قیمت زمین مذکور مبلغ دوازده هزار و پنجاه و پانصد ریخته میباشد ، پناه علیه هر شخصی که خواهش خریداری را داشته باشد با اداره عین المال مراجعت نماید

در چهارم خانه حروفی ماشین چاپی طبع گردید